

### متن پرسش

تمام شد! و شروع شد. مبارک باشه ان شاء الله. این پایان دیگری از سال سلوکی انقلاب اسلامی و آغاز حیات جدید جمهوری اسلامی در رجب و شعبان و رمضان سه ماه اصیل خاص. مبارکه. امیدوارم چنان اوج آسمان شویم که زمین و زمانمان گم شود، زندگی تازه شروع شد، موه‌های سپید را حنا باید گذاشت که این جوانان سپید موی حکیم را شادیست بی غم و رقصیست بدون عزا... از تضادها دور بادمان و پاینده بادمان سرای عشق و مستی و حیرت ان شاء الله باذن الله. به جان جمله مستان که مستم - بگیر ای دلبر عیار دستم - به جان جمله جانبازان که جانم - به جان رستگاران‌ش که رستم - ز حسن یوسفی سرمست بودم - که حسنش هر دمی گوید الستم - در آن مستی ترنجی می بریدم - ترنج اینک درست و دست خستم - مبادم سر اگر جز تو سرم هست - بسوزا هستیم گر بی تو هستم - تویی معبود در کعبه و کنشتم - تویی مقصود از بالا و پستم - شکار من بود ماهی و یونس - چو حاصل شد ز جعدت شصت شستم - چو دیدم خون تو بس چشم سیرم - چو خوردم ز آب تو زین جوی جستم - برای طبع لنگان لنگ رفتم - ز بیم چشم بد سر نیز بستم - همان ارزد کسی کش می پرستند - زهی من که مر او را می پرستم - ببرد از کسی کآخر ببرد - به سوی عدل بگریزید ز استم - چو ری با سین و تی و میم پیوست - بدین پیوند رو بنمود رستم - یقین شد که جماعت رحمت آمد - جماعت را به جان من چاکرستم - خمش کردم شکار شیر باشم - که تا گوید شکار مفترستم. مبارکتان باد □

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! «یقین شد که جماعت رحمت آمد» تا آغازی باشد پس از جریان دیروز و دیروزهای مان، و گمان نکنیم حضرت معبود ما را رها کرده. آری! باید وزیدن‌های کویری را که همه احوالات مان را خشک می‌کند، تجربه کرده باشیم تا با گشوده نسیم بهاری باد صبای ماه «رجب» بر جان‌ها، حیات تازه‌ای را تجربه و «فهم» کنیم. نه آن‌که گمان کنیم در دیروزمان فراموش مان کرده بود، نه! خواست فردای ما را بسی گشوده برای مان حاضر کند تا در ماه «رجب» حیات زنده‌تری را تجربه کنیم. موفق باشید